

الیجاه - شماره نه

پیامبر دروغ گفت

Jeff Pippenger

2023-10-11

ما مقاله قبلی را با بخشی به پایان رساندیم که به «روح دروغگو» می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌آید یکی از بندهای آن بخش است.

خادمان تقدیس نشده در برابر خدا صف‌آرایی می‌کنند. در یک نفس هم مسیح را می‌ستایند و هم خدای این جهان را. در حالی که به ظاهر مسیح را می‌پذیرند، براباس را در آغوش می‌گیرند و با اعمال خود می‌گویند: «نه این مرد، بلکه براباس.» پس همه کسانی که این سطور را می‌خوانند، بر حذر باشند. شیطان به آنچه از او برمی‌آید لاف زده است. او در صدد برهم زدن وحدتی است که مسیح برای وجود آن در کلیسای خود دعا کرد. او می‌گوید: «خواهم رفت و روحی دروغ‌گو خواهم بود تا هر که را بتوانم بفریبم، عیب‌جویی کنم، محکوم کنم و تحریف نمایم.» اگر پسر فریب و شاهد دروغین در کلیسایی که نور فراوان و شواهد بسیار داشته است پذیرفته شود، آن کلیسا پیام فرستاده خداوند را کنار خواهد گذاشت و نامعقول‌ترین ادعاها و پنداشته‌های باطل و نظریه‌های نادرست را خواهد پذیرفت. شیطان به حماقت‌شان می‌خندد، زیرا می‌داند حقیقت چیست. شهادت‌ها برای خادمان، ۴۰۹.

بگذار «پسر فریب و شهادت دروغ» توسط کلیسایی که نور عظیم و شواهد فراوان داشته است مورد پذیرش قرار گیرد، و آن کلیسا پیام فرستاده خداوند را دور خواهد انداخت و نامعقول‌ترین ادعاها و پنداشته‌های باطل و نظریه‌های کاذب را خواهد پذیرفت. در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم میلریتی به روش‌شناسی نامعقول و کاذبی که پروتستانتیسم مرتد به کار می‌برد «بازگشت» و شناسایی ویلیام میلر از «هفت بار» لایوان باب بیست‌وشش را رد کرد. موضوع «بازگشت» توسط شورشیان کتاب اعداد، باب چهارده، به نمایش گذاشته شد، هنگامی که تصمیم گرفتند سرکرده‌ای برگزینند و به مصر بازگردند.

و به یکدیگر گفتند: «بیا بید سرکرده‌ای برای خود برگزینیم و به مصر بازگردیم.» اعداد ۴:۱۴.

موضوع «بازگشت» به پروتستانتیسم مرتد، در ارمیا نیز به تصویر کشیده شد؛ آنگاه که در باب پانزدهم به او گفته شد که پروتستان‌های مرتد می‌توانند نزد او بازگردند، اما او نباید به سوی آنان «بازگردد».

من در مجمع استهزاکنندگان ننشستم و شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم آکندی. چرا درد من دائمی است و زخم من درمان‌ناپذیر، که از شفا سر باز می‌زند؟ آیا تو به کلی برای من مانند دروغگو خواهی بود و مانند آب‌هایی که می‌خشکند؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، آنگاه تو را باز خواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانبها را از بی‌ارزش جدا کنی، چون دهان من خواهی بود. ایشان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان بازنگرد. و تو را برای این قوم چون دیواری برنجین استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو غلبه نخواهند کرد؛ زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و برهانم، می‌گوید خداوند. ارمیا ۲۰:۱۷-۱۵.

شاید روشن‌ترین نمونه پیش‌گویانه از اصل بازنگشتن به پروتستانتیسم مرتد در داستان پیامبر نافرمان یافت می‌شود؛ همان که پیامی توییحی خطاب به یربعام، نخستین پادشاه ده قبیله شمالی، رساند.

و پادشاه به مرد خدا گفت: با من به خانه بیا و تجدید قوا کن، و به تو پادشاه خواهم داد. و مرد خدا به پادشاه گفت: اگر نیمی از خانهات را نیز به من بدهی، با تو نخواهم آمد، و در اینجا نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید؛ زیرا به حکم کلام خداوند به من چنین امر شده است که: نان مخور و آب منوش و از همان راهی که آمده‌ای باز مگرد. پس او از راهی دیگر رفت و از راهی که به بیت‌ئیل آمده بود بازنگشت. اول پادشاهان ۷: ۱۳-۱۰.

به پیامبر نافرمان از سوی خدا گفته شده بود که از همان راهی که آمده بود بازنگردد. ادونتیسیم میلرایتی از پروتستانیسمی که ساردس نماینده آن بود بیرون آمده بود، و نباید به آن باز می‌گشتند. با آنکه پیامبر نافرمان به خوبی می‌دانست که نباید از همان راهی که آمده بازگردد، پیامبری دروغین از پادشاهی یربعام به او گفت که خدا گفته است آن پیامبر نافرمان باید به خانه آن پیامبر دروغین برگردد و با او غذا بخورد. برخلاف رهنمود خدا، همان کار را کرد. به محض آنکه شروع به خوردن غذای آن پیامبر دروغین کرد، کتاب مقدس آشکارا می‌گوید که پیامبر سامره دروغ گفته بود.

اکنون در بیت‌ئیل پیامبری پیر ساکن بود؛ و پسرانش آمدند و به او خبر دادند از همه کارهایی که آن مرد خدا در آن روز در بیت‌ئیل کرده بود؛ و سخنانی را نیز که او به پادشاه گفته بود، به پدرشان بازگفتند. و پدرشان به ایشان گفت: او از کدام راه رفت؟ زیرا پسرانش دیده بودند که مرد خدا که از یهودا آمده بود، از کدام راه رفت. و او به پسرانش گفت: الاغ را برای من زین کنید. پس الاغ را برای او زین کردند، و وی بر آن سوار شد، و در پی مرد خدا رفت و او را زیر درخت بلوط نشسته یافت. و به او گفت: آیا تو همان مرد خدایی که از یهودا آمدی؟ گفت: من هستم. آنگاه به او گفت: با من به خانه بیا و نان بخور. گفت: نمی‌توانم با تو بازگردم و نه با تو به خانه درآیم؛ و در این مکان نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید؛ زیرا به کلام خداوند به من گفته شده است: در آنجا نان مخور و آب منوش، و از راهی که آمده‌ای باز مگرد. او به وی گفت: من نیز همچون تو نبی هستم، و فرشته‌ای به کلام خداوند با من سخن گفت و گفت: او را با خود به خانهات بازآور تا نان بخورد و آب بنوشد. اما او بدو دروغ گفت. پس او با وی بازگشت و در خانه‌اش نان خورد و آب نوشید. اول پادشاهان ۱۱: ۱۳-۱۹.

پیامبر نافرمان با پیامبر دروغگوی سامره خورد و نوشید؛ یعنی پیام یک پیامبر مرتد را پذیرفت و پیام خداوند را رد کرد. او همان روز آن پیام را با امانت‌داری رسانده بود. او خوب می‌دانست که نباید بازگردد، اما با این حال چنین کرد. خواهر وایت به ما خبر می‌دهد که اگر «فرزند فریب و شهادت کذب» از سوی کلیسای که نور عظیم و شواهد بزرگ داشته پذیرا شود، آن کلیسا پیامی را که خداوند فرستاده کنار خواهد گذاشت. در تاریخ میلریتی، فرشته نخست زمین را با جلال خود روشن ساخته بود. در سال ۱۸۴۰، پیام فرشته نخست به هر ایستگاه میسیونری در سراسر جهان برده شد.

"خبر اینکه خداوند به زودی با قدرت و جلال عظیم به جهان ما خواهد آمد، حقیقت است، و در سال ۱۸۴۰ صداهای بسیاری برای اعلام آن برخاست." Manuscript Releases، جلد ۹، ۱۳۴.

اندکی پس از آن، ادونتیسیم میلریتی به «دروغ» روش‌شناسی پروتستانیسم مرتد بازگشت و «پیام خداوند» را که خدا از طریق ویلیام میلر فرستاده بود، کنار گذاشت. آنان پیام موسی را چنان‌که ایلیا آن را ارائه کرده بود، کنار گذاشتند، و «دروغی» که در آغاز تاریخ میلریتی پذیرفته شد، نمایانگر همان «دروغی» است که در پایان باور می‌شود؛ همان «دروغی» که فریب نیرومندی را بر ادونتیسیم لاودیکه‌ای می‌آورد.

و با هرگونه فریبندگی ناراستی در میان کسانی که هلاک می‌شوند، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند. و به همین سبب، خدا بر ایشان گمراهی شدیدی خواهد فرستاد تا دروغی را باور کنند، تا همه محکوم به هلاکت شوند؛ آنان که حقیقت را باور نکردند، بلکه در ناراستی لذت بردند. دوم تسالونیکیان ۱۰: ۲-۱۲.

ما در تلاشیم نقش الیاس را به عنوان نمادی در ارتباط با تاریخ‌های موازی شاخ پروتستان‌تیسیم و شاخ جمهوری‌خواهی، در دوره‌ای که ششمین پادشاهی پیشگویی کتاب مقدس حکومت می‌کند، نشان دهیم. دشواری گردآوردن همهٔ مسائل ۱۸۶۳ به صورت نبوی، دست‌کم برای من، وجود خطوط متعددی به هم پیوسته‌ای است که به مفهوم «استدلال دوری» پهلو می‌زنند. منطق سراسر است همواره بهترین رویکرد است، اما شناسایی حقایق الهی و روابط آن حقایق با یکدیگر کاری دشوار است، زیرا در کتاب مقدس «اندکی اینجا و اندکی آنجا» یافت می‌شوند.

به چه کسی دانش بیاموزد؟ و به چه کسی تعلیم را بفهماند؟ به آنان که از شیر گرفته شده‌اند و از پستان‌ها جدا شده‌اند. زیرا باید فرمان بر فرمان، فرمان بر فرمان؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا باشد. اشعیا ۲۸: ۹، ۱۰

این کار نیز دشوار است، وقتی مخاطبان هدف‌تان هم شامل کسانی می‌شوند که با حقایق بنیادی‌ای که به آنها می‌پردازید آشنا نیستند و هم کسانی که همه چیز برایشان تازه است. تقریباً همهٔ حقایقی که قصد داریم در این مقاله مروری بر آنها بدهیم، در لوح‌های حبقوق یافت می‌شوند. برای اینکه مبادا چنین به نظر برسد که از «استدلال دور و دراز» استفاده می‌کنم، می‌خواهم پیشاپیش به شما بگویم به کجا می‌رویم، پیش از آن که واقعاً به آنجا برویم.

در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم میلریتی لاودیکه‌ای تصویری از حسد برپا کرد. این تصویر حسد نشانگر نخستین نسل از چهار نسل ادونتیسیم لاودیکه‌ای است.

آنگاه او به من گفت: ای پسر انسان، اکنون چشمانت را به سوی شمال بلند کن. پس چشمانم را به سوی شمال بلند کردم، و اینک در شمال، نزد دروازهٔ مذبح، این بت غیرت در مدخل بود. حزقیال ۸:۵

چهار نسل کلیسای ادونتیسیت روز هفتم در بخش‌های گوناگون کتاب مقدس به تصویر کشیده شده‌اند، اما من باب هشتم کتاب حزقیال را به عنوان نقطهٔ ارجاع اصلی به کار می‌برم. دلیلش این است که باب هشتم به باب نهم راه می‌برد. در حزقیال باب نهم، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر به تصویر کشیده شده است و در «شهادت‌ها»، جلد پنجم، خواهر وایت این واقعیت را به روشنی مشخص می‌کند. در اظهارنظرهای خواهر وایت، او هنگام وقوع مهر شدن، به روشنی دو دسته از پرستندگان در اورشلیم را مورد خطاب قرار می‌دهد. حزقیال نیز همین کار را می‌کند، و دسته‌ای که مهر را دریافت نمی‌کنند در باب هشتم به تصویر کشیده شده‌اند.

آن گروهی که از افول روحانی خود اندوهگین نمی‌شوند و بر گناهان دیگران نیز سوگواری نمی‌کنند، بدون مهر خدا رها خواهند ماند. خداوند فرستادگان خود را، آن مردانی را که در دست‌هایشان سلاح‌های گشتار است، مأمور می‌کند: «در پی او در سراسر شهر بروید و بزنید؛ نه چشم‌تان دریغ کند و نه رحم آورید؛ پیر و جوان را به کلی بکشید، هم دوشیزگان و هم کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ‌کس که بر او نشانی است نزدیک نشوید؛ و از قدس من آغاز کنید.» آنگاه از مردان کهنسالی که در برابر خانه بودند آغاز کردند.

"اینجا می‌بینیم که کلیسا—حرم خداوند—نخستین بود که ضربت خشم خدا را احساس کرد. مشایخ، آنان که خدا نور عظیمی به ایشان داده بود و به عنوان نگهبانان مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خود خیانت کردند. آنان چنین موضعی اتخاذ کرده بودند که دیگر لازم نیست مانند روزگاران پیشین در پی معجزات و نمود آشکار قدرت خدا باشیم. زمانه عوض شده است. این سخنان بی‌ایمانی آنان را تقویت می‌کند و می‌گویند: خداوند نه نیکویی خواهد کرد و نه بدی. او آن قدر رحیم است که قوم خود را به داوری در نخواهد کشید. از این رو، 'سلامتی و امن' فریاد مردانی است که دیگر هرگز صدای خود را چون شیپور بلند نخواهند کرد تا به قوم خدا

خطاهایشان و به خانه یعقوب گناهانشان را بنمایانند. این سگ‌های گنگ که پارس نمی‌کنند همان‌هایی‌اند که انتقام عادلانه خدای رنجیده را می‌چشند. مردان، دوشیزگان و کودکان خردسال همه با هم هلاک می‌شوند." شهادت‌ها، جلد ۵، ص ۲۱۱.

فصل هشتم کسانی را در اورشلیم—«کلیسا»—توصیف می‌کند که در نسل چهارم از چهار نسل، به صورت سجده‌کنندگان در برابر خورشید به تصویر کشیده شده‌اند.

و او مرا به صحن داخلی خانه خداوند برد؛ و اینک نزد در هیکل خداوند، میان ایوان و مذبح، حدود بیست‌وپنج مرد بودند که پشت‌هایشان به سوی هیکل خداوند و روی‌هایشان به سوی مشرق بود، و به سوی مشرق خورشید را سجده می‌کردند. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، آیا این را دیدی؟ آیا برای خاندان یهودا امر کوچکی است که این رجاسات را که در اینجا می‌کنند، مرتکب شوند؟ زیرا زمین را از ظلم پر کرده‌اند و بازگشته‌اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک شاخه را به بینی خود می‌گذارند. بنابراین من نیز در خشم عمل خواهم کرد؛ چشمم ترحم نخواهد کرد و رحم نخواهم نمود؛ و هرچند با آواز بلند در گوش‌هایم فریاد کنند، ایشان را نخواهم شنید. حزقیال ۱۶:۸-۱۸.

همان‌طور که در مورد گزارش بد ده جاسوس بود، بیست‌وپنج رهبر شورش که خورشید را می‌پرستند نیز خداوند را به خشم «برانگیخته‌اند». قانون یکشنبه همان «روز به خشم آوردن» است که پیامبران از آمدن آن خبر داده‌اند. فصل نهم کسانی را توصیف می‌کند که در همان زمان مهر خدا را دریافت می‌کنند، زیرا صرفاً تکرار و بسط فصل هشتم است.

این مهر کردن بندگان خدا [مکاشفه باب هفتم] همان است که به حزقیال در رؤیا نشان داده شد. شهادت‌ها برای خدمتگزاران، ۴۴۵.

در سال ۱۸۶۳، نخستین نسل ادونتیسیم لائودیکیایی سرگردانی خود را در بیابان آغاز کرد. در تاریخ نبوی، آنچه در سال ۱۸۶۳ به‌عنوان تمثال غیرت شناخته می‌شود، گوساله طلایی هارون بود. ویژگی‌های نبوی آن گوساله طلایی این بود که تمثال یک وحش بود و از طلا بود. طلا نماد بابل است؛ بنابراین گوساله طلایی هارون تمثال وحش بابل بود. تمثال وحش صرفاً چنین تعریف می‌شود: ترکیب کلیسا و دولت، به‌گونه‌ای که کلیسا بر این رابطه مسلط است.

اما «تصویر برای وحش» چیست؟ و چگونه باید شکل بگیرد؟ این تصویر به دست وحش دوشاخ ساخته می‌شود و تصویری برای آن وحش است. همچنین «تصویر وحش» نیز خوانده می‌شود. پس برای اینکه بدانیم این تصویر چگونه است و چگونه باید شکل بگیرد، باید ویژگی‌های خود آن وحش، یعنی پاپیت، را مطالعه کنیم.

وقتی کلیسای اولیه با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین‌ها و رسوم بت‌پرستانه فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای کنترل وجدان‌های مردم، در پی حمایت قدرت دنیوی برآمد. نتیجه آن نظام پاپی بود: کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خود، به‌ویژه برای مجازات «بدعت»، به کار برد. برای آن‌که ایالات متحده تصویری از وحش پدید آورد، قدرت دینی باید چنان بر حکومت مدنی مسلط شود که اقتدار دولت نیز به دست کلیسا برای تحقق مقاصد خود او به کار گرفته شود. مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

گوساله‌ای که هارون ساخت، زمانی ساخته شد که موسی ده فرمان را دریافت می‌کرد. فرمان دوم پرستش بت‌ها را منع می‌کند و وقتی خدا را خدایی غیور معرفی می‌کند، توصیفی جزئی از صفات خدا را نیز در بر دارد.

برای خود هیچ تندیس تراشیده‌ای، و هیچ تصویر یا شبیهی از هرچه در آسمان بالا، یا بر زمین، یا در آب‌های زیر زمین است، مساز. در برابرشان سجده مکن و آنها را عبادت مکن؛ زیرا من، خداوند

خدای تو، خدایی غیورم، که کیفر گناه پدران را بر فرزندان، تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من نفرت دارند، می‌رسانم؛ و بر هزاران نفر از آنان که مرا دوست می‌دارند و فرمان‌هایم را نگاه می‌دارند، رحمت می‌آورم. خروج ۴: ۲۰-۶

تصویر گوساله طلایی هارون، چون بت بود، نمایانگر تمثال غیرت بود؛ زیرا خشم عادل برانگیخت که موسی را واداشت دو لوح نخست ده فرمان را به زمین بیفکند و بشکند. قصد داریم نشان دهیم که نمودار جعلی سال ۱۸۶۳ را گوساله طلایی هارون نمایندگی می‌کرد. غیرت خدا در برابر گوساله طلایی هارون آشکار شد، زیرا آن گوساله نماینده خدای دروغین بود. آن گوساله بازنمایی جعلی خدا بود. هارون اعلام کرد که آن نماینده خدایانی است که آنان را از بندگی مصر رها کرده‌اند. آن دو لوحی که موسی در همان واقعه شکست، «رونوشت»ی از سرشت خدای حقیقی بودند؛ همان خدایی که در واقع آنان را از مصر بیرون آورده بود. نمودار جعلی ساخته شده در سال ۱۸۶۳ تمثال غیرت است، زیرا با حذف هفت زمان سوگند موسی، دو لوح باب دوم حقوق را شکست.

«من دیده‌ام که نمودار ۱۸۴۳ به دست خداوند هدایت شده بود و نباید تغییر داده می‌شد؛ ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده بود، به طوری که هیچ‌کس نتواند آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد.» نوشته‌های اولیه، ۷۴، ۷۵.

همچنین الن وایت قیدی با عبارت «جز از طریق الهام» به فرمان تغییر ندادن نمودار ۱۸۴۳ می‌افزاید.

دیدم که نمودار قدیمی به هدایت خداوند تهیه شده بود و اینکه حتی یک رقم از آن نباید جز به الهام تغییر داده شود. دیدم که اعداد نمودار همان‌گونه بودند که خدا می‌خواست، و اینکه دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از اعداد پنهان کرده بود، به طوری که هیچ‌کس آن را نمی‌دید تا وقتی که دست او برداشته شد. اسپالدینگ و مگن، ۲.

جیمز و الن وایت در خانه خانواده اوتیس نیکولز زندگی می‌کردند، هنگامی که نیکولز نمودار ۱۸۵۰ را آماده کرد و منتشر ساخت. تنها چیزی که در نمودار ۱۸۵۰ «تغییر داده شد» این بود که سال «۱۸۴۴» جایگزین سال «۱۸۴۳» شد؛ سالی که بر نمودار ۱۸۴۳ درج شده بود. آنچه «تغییر» یافت، صرفاً تصحیح همان «اشتباهی» بود که خدا دست خود را بر آن پوشانده بود. الهام آن پیامبر زن در همان خانه‌ای بود که در آن، نمودار ۱۸۴۳ به نمودار ۱۸۵۰ «تغییر» یافت، و «هفت زمان» لاویان باب بیست و شش همچنان ثبت شده بر آن نمودار باقی ماند، همان‌گونه که بر نمودار ۱۸۴۳ بود.

حکم دوم قطعه دیگری از این معمای نبوی را در بر دارد، زیرا نشان می‌دهد که خدا نسل‌ها را می‌شمارد تا وقتی که گناه روی داده را عقوبت کند. در سال ۱۸۶۳، نخستین چهار نسل کلیسای ادونتیست روز هفتم آغاز شد، زیرا جنبش میلری در آن زمان پایان یافت.

دو لوح ده فرمان نماد دو لوح حقوق‌اند، اما همچنین نماد دو قرص نان تکان‌دادنی پنتیکاست نیز هستند؛ همان‌ها که تنها قربانی خدمتگاه مقدس به‌شمار می‌آمد که گناه را دربر می‌گرفت. تجلی قدرت خدا در عطا ده فرمان، تجلی قدرت خدا در افاضه پنتیکاستی و تجلی قدرت خدا در تاریخ دو نمودار پیروان میلر، همگی نماد تجلی نهایی افاضه روح‌القدس در باران پسین‌اند. دو قرص نان تکان‌دادنی پنتیکاست نمایانگر صد و چهل و چهار هزار نفری هستند که در دوران باران پسین همچون علمای برافراشته می‌شوند.

نان‌های جنبانندی عید پنجاهه باید با «خمیر ترش» تهیه می‌شدند که نماد گناه است، اما خمیر ترش در فرایند پخت از بین می‌رفت.

در همین اثنا، چون جماعتی بی‌شمار از مردم گرد آمده بودند، چنان‌که بر یکدیگر پا می‌نهادند، او نخست به شاگردان خود گفت: «از خمیرمایه فریسیان که همان رباکاری است، برحذر باشید.» لوقا ۱۲:۱.

نان‌های تکان داده‌شده، قربانی نوبر بودند.

از خانه‌های خود دو قرص نان تکان‌دانی بیاورید، هر یک به اندازه دو دهم؛ باید از آرد سفید باشند و با خمیرمایه پخته شوند؛ اینها نوبرانه‌ها برای خداوندند. لوقا ۱۷:۲۳.

آن صد و چهل و چهار هزار نفر، پیشکش نوبرانه در ایام آخر هستند.

و دیدم، اینک، بره‌ای بر کوه صهیون ایستاده است، و با او صد و چهل و چهار هزار تن، که نام پدرش بر پیشانی‌هایشان نوشته شده بود. و آوازی از آسمان شنیدم، همچون آواز آب‌های بسیار و همچون آواز رعدی عظیم؛ و آواز چنگ‌نوازی را شنیدم که با چنگ‌های خود می‌نواختند. و سرودی تازه می‌خواندند در برابر تخت، و در برابر آن چهار موجود و مشایخ؛ و هیچ‌کس نمی‌توانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از زمین فدیة داده شده بودند. اینان کسانی‌اند که با زنان نیالوده‌اند؛ زیرا باکره‌اند. اینان کسانی‌اند که هر جا بره برود از پی او می‌روند. ایشان از میان آدمیان فدیة داده شدند، به عنوان نوبر برای خدا و برای بره. و در دهان ایشان حیل‌های یافت نشد؛ زیرا در برابر تخت خدا بی‌عیب‌اند. مکاشفه ۱۴:۵-۵.

طبقه‌ای از عبادت‌کنندگان ایام آخر که هرگز نخواهند مرد و ایلیا نماینده آنان است، به کلی بر گناه چیره شده خواهند بود؛ زیرا آتش پالایشی که پیام‌آور عهد بر آنان می‌آورد، خمیرمایه را از پسران لاوی به‌تمامی می‌پزد و می‌زداید.

اینک، من فرستاده خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جوید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، همان فرستاده عهد که در او خوشی می‌یابید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که بتواند روز آمدنش را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالاینده است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره تصفیه خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی را به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام کهن و سال‌های پیشین. ملاکی ۳:۱-۴.

قربانی‌ای که «همچون ایام قدیم» است، همان قربانی تکان‌دانی پنطیکاست با دو قرص نان است. آن را به‌عنوان قربانی بالا می‌بردند و این عمل نمایانگر دو پیامبری بود که در خیابان‌ها کشته شدند، و آنان سپس در آغاز بحران قانون یکشنبه، همچون بیرقی، به آسمان افراشته می‌شوند.

وقتی هارون گوساله طلایی خود را ساخت، اعلام کرد که آن گوساله همان خدایانی بود که ایشان را از مصر بیرون آورده بودند، و سپس جشنی برای خداوند اعلام کرد.

و آنها را از دستشان گرفت و پس از آنکه آن را به شکل گوساله‌ای ریخته ساخت، با قلم‌تراش آن را شکل داد؛ و گفتند: ای اسرائیل، این‌ها خدایان تو هستند که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند. و چون هارون آن را دید، مذبحی در برابر آن بنا کرد؛ و هارون اعلام کرد و گفت: فردا عیدی برای خداوند است. خروج ۳۲:۴، ۵.

وقتی پادشاهی شمالی اسرائیل از پادشاهی جنوبی یهودا جدا شد، یربعام، نخستین پادشاه اسرائیل، عمداً در دو شهر مراسم پرستشی جعلی‌ای برپا کرد، همان سخنی را که هارون گفته بود بر زبان آورد و ادعا کرد که دو گوساله طلایی‌اش همان خدایانی هستند که آنان را از مصر بیرون آوردند، و همچون

هارون عیدی جعلی مقرر کرد.

و یربعام در دل خود گفت: اکنون پادشاهی به خاندان داود بازخواهد گشت. اگر این قوم برای گزاردن قربانی به خانه خداوند در اورشلیم بالا روند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی سرور خود، یعنی رجبام پادشاه یهودا، برخواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و باز نزد رجبام پادشاه یهودا خواهند رفت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به آنان گفت: رفتن شما به اورشلیم بسیار دشوار است؛ ای اسرائیل، اینک خدایان تو که تو را از زمین مصر برآوردند. و یکی را در بیت‌ئیل نهاد و دیگری را در دان گذاشت. و این کار مایه گناه شد، زیرا قوم برای سجد کردن نزد آن، تا دان می‌رفتند. و خانه‌ای بر بلندی‌ها ساخت و از میان فرودستان قوم، کاهنانی گماشت که از پسران لاوی نبودند. و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، جشنی مانند جشن یهودا مقرر داشت و بر قربانگاه قربانی گذرانید. چنین در بیت‌ئیل کرد: برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی نمود، و در بیت‌ئیل کاهنان عبادتگاه‌های مرتفعی را که ساخته بود گماشت. پس در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در همان ماهی که به رأی دل خود تعیین کرده بود، بر قربانگاهی که در بیت‌ئیل ساخته بود قربانی گذرانید و برای بنی‌اسرائیل جشنی مقرر داشت؛ و بر قربانگاه قربانی گذرانید و بخور سوزانید. اول پادشاهان ۱۲:۲۶-۳۳

دان به معنای داوری است و نمایانگر دولت است؛ بیت‌ئیل به معنای خانه خداست. همچون شورش هارون و شورش پادشاه یربعام، این نمادها ترکیب کلیسا و دولت را نشان می‌دهند که در نهایت هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا رخ می‌دهد.

قانون روز یکشنبه در پایان ادونتیسیم رخ می‌دهد، و در آغاز ادونتیسیم، آن جنبش که در تابستان ۱۸۴۴ به‌عنوان شاخ پروتستان شناخته شده بود، به‌طور قانونی با شاخ جمهوری‌خواه به هم پیوست. از این رو، شورش هارون و یربعام هم سال ۱۸۶۳ و هم قانون روز یکشنبه‌ای را که به‌زودی فرا می‌رسد نمایانگر است.

علت این‌که «فرستاده عهد» «پسران لاوی» را تطهیر می‌کند و نه هیچ‌یک از قبایل دیگر، این است که در شورش گوساله طلایی هارون، این لایوان بودند که در کنار موسی ایستادند. به سبب وفاداری‌شان، آنان سپس به قبیله‌ای برگزیده شدند که نماینده کهنات باشد؛ افتخاری که پیش‌تر مقرر شده بود از نخست‌زادگان هر یک از قبایل تشکیل شود. از همین رو یربعام اطمینان حاصل کرد که کهنات جعلی او از پسران لاوی نباشد، و در عوض کهنات خود را «از فرودستان مردم، که از پسران لاوی نبودند» قرار داد.

پسران لاوی کسانی هستند که در خلال بحران قانون یکشنبه، به‌عنوان نشانه‌ای یا قربانی تکان‌دادنی، با آتش تطهیر می‌شوند. تاریخ بحران قانون یکشنبه در روزهای آخر، نمونه‌اش بحران سال ۱۸۶۳ بود؛ زمانی که شاخ پروتستان تازه‌شناسایی شده به‌طور قانونی به شاخ جمهوری‌خواه پیوست. پیش از آنکه آغاز کنیم به بررسی بخش‌هایی که همین‌اکنون به آنها اشاره کردیم، باید به یک خط تاریخی دیگر نیز پردازیم.

آن خط سال ۱۸۵۶ را نشان می‌دهد و به آن در مقاله بعدی‌مان خواهیم پرداخت.

آمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ بیان شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف یک رویداد واحد؛ و این همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، نشان داده شده است. مناقشه عظیم، ۴۲۶.